

سختن اول

کارون نماد وحدت شد

هزار و دومین قصه ی
هزار و یک شب

بات الخریف قریباً

الدهوازیون یحیون ذکری
إستشهاد الامام الحسین (ع)



سیزده آبان ، روز دانش آموز

درآبان ماه مناسبت های مختلفی وجود دارد یکی از این مناسبت های روز سیزده آبان روز دانش آموز ومبارزه با استکبار جهانی است.

روز سیزده آبان روز شگفتی است:روزی که حوادث بزرگ و سرنوشت ساز این ملت را در پیشانی خود حک کرده است وجه عجیب رد پای ثابت در تمامی این حوادث به چشم می خورد.

ردپای استکبار جهانی در تبعید امام در سال ۴۲ در کشتار دانش آموزان ودانشجویان در سال ۵۷ ودر نهایت مه پطلائی که دانشجویان خط امام با تسخیر سفارت امریکا بر دخالت ودمست اندازی های استکبار جهانی در مهین اسلامی ما می زدند. دانش آموزانی که هنگام تبعید امام در سال ۴۲ خردسالانی پیش نبودند ۱۵ سال بعد غیور مردانی در این سرزمین شدند که بر ظلم وبیادار شوریدند آنان این درس را علاوه بر اینکه بر پشت نیمکت های چوبی وبر تخته سیاه وراهنمایی معلمان غیور خود وبخصوص معلم پیر انقلاب از صفحه سید پیشانی مردمان زجر کشیده در کوچه وبازار هم می آموختند.آنان خود را مجوزا از جریان انقلاب نمی دانستند آن روزها همه از پیرو جوان. زن ومردوکودک در اعتصاب وراهپیمایی شرکت می کردند در آن روزها حتی نوع گفتگو های مجاوره ا یی بین مردم تغییر پیدا کرد وروشن گرای وبخته گی وهمه جانبه نگر بود. دانش آموزان چنان سهمی در این جریان داشتند که اگر صفحه این از اوراق خوئین انقلاب به نام آنان رقم نمی خورد. بر زحمات،رشادت ها وتلاش های آنان جفا شده بود آن روزها دانش آموزان، اعلامیه های امام را رونویسی وبخش می کردند شبها خط حکومت نظامی را ناذیده می گرفتند وبا خط های ابتدایی ونا پخته خود دیوارهای شهر را با شمارهای انقلابی موزین می کردند.

چگونه نوجوانی که در ابتدای زندگی است. به بلوغ فکری وعقیدتی می رسد وخود را در جریان انقلابی وارد می کند که لازمه آن شناخت است.اینها را باید در فضای فکری آن عصرویه ویژه در کلام امام جست که اعتراضات فروخته در درون ملت را که عمری به درازی تاریخ داشت با ایمان واعتقاد مردم گره زد واز میان آن پر شور ترین انقلاب قرن را ساماندهی نمود در آن روزها شجاری بر گرفته از امام شهیدان وآزادگان امام حسین(ع)وارد زبان همگان بود ومتفکران بزرگ انقلاب چون مغفیری و...هم از این پیام به خوبی بهره جستند:ان الحیاء عقیده وجهاد.

امام نیز در تبیین این شعار فرموده است «زندگی یعنی آرمان ومبارزه در راه آن»الحیاء عقیده وجهاد مطلبی که از نظر شیوه تفکر اسلامی هیچ جای تردید در آن نیست این است که مرگ از این زندگی ذلت بار بهتر است(صحیفه نور،ج۱۳،ص۱۸-۲۱۷) امام خود در راس مبارزه قرار می گیرد نه اینکه خود گوشه نشینی اختیار کرده مردم را به مبارزه فراخواند. امام گام اول مبارزه را بر می دارد وبر امریکا،اسرائیل ورژیم پهلوی که دست نشانده اولی وحامی دومی است فریاد می زند و خود رنج تبعید را شجاعانه تحمل می کند.

من از آن آدمها نیستم که حکمی اگر کردم بنشینم من راه می افتم دنیالش اگر خدای نخواست یک وقتی دیدم که مصلحت اسلم اقتضا می کند یک حرفی می زلم ودنیالش راه می افتم.(صحیفه نو)

درآن روزدانش آموزمسلمان ایرانی در خون خود وضو گرفت وبه امام اقتداکرد ودر قیام نماز تنها خدایا بزرگ ولایت بزرگی خواند.نماز را در رودر روی معیود ودرب هشت اوسلام داد.

راهشان پررهوید،نامههم روز دانش آموز،روز مبارزه،استکبار جهانی وروز تسخیر لانه جاسوسی،سالگرد تبعید امام به ترکیه روز لغو کاپیتولاسیون روز نوجوان وسیح دانش آموزانی و...گرامی می داریم.

همین کثر فرهنگی. این چند زیانه بودن، چند فرهنگی بودن و این است که سبکهای زندگی بسیار متفاوتی داریم و توانسته‌ایم به‌رغم همه اختلاف‌هایمان با هم زندگی کنیم. البته این شانس زمانی از یک موقعیت بالقوه به یک موقعیت بالفعل تبدیل می‌شود که بتوانیم آن را به خوبی مدیریت کنیم که از این لحاظ ما همواره موفق نبوده‌ایم و فاصله زیادی با موقعیت آرمانی و حتی مطلوب داریم. دلیالش نیز روشن است زیرا ما کمتر خواسته‌ایم آن را لزوماً یک «آسیب» و توانسته‌ایم «تفاوت» را اصل بگیریم و پس نگاه همراه با هراس را کنار بگذاریم به مشکلات بی‌شماری منجر می‌شود. غوزستان پا تدبیر از آن حمایت کرد. اعتمادی مدرانه که استاندار جدید غوزستان با تدبیر از آن حمایت کرد. فراموش نکنیم که ما انسان‌ها بیشتر از آنچه از یکدیگر متفاوت باشیم به یکدیگر شباهت داریم و اگر این نکته را درک کنیم بسیاری از مشکلاتمان نیز حل خواهد شد.

تقویت همبستگی‌های قومیتی یا کم شدن اختلافات قومیتی و وحدت فرهنگ‌های مختلف برای همیاری به قربانیان این حادثه‌شد و یک تبادل فرهنگی مثبت اتفاق افتاد. اما چه پیوندی می‌توان بین حوادث فوری و مفهوم همبستگی اجتماعی ارائه داد؟ این سوالی است که باید متخصصان علوم اجتماعی به آن پاسخ دهند. اگر جامعه‌ای دارای انسجام و وحدت و انضباط و یکپارچگی هویتی نسبی و فرهنگ بالایی از نظر مدنیت باشد، وقتی با یک «فاجعه طبیعی» روبه‌رو می‌شود، بدون شک، نه فقط به نسبت تلفات کمتری خواهد داشت، زیرا قوانین و ضوابط و سازوکارهای مقابله با آن حادثه طبیعی را رعایت کرده‌است، بلکه در مدیریت بحران و فاجعه نیز پختگی بسیار بالاتری از خود نشان داده و فرآیندهای بازسازی فیزیکی و رفغ ضربه‌های روانی و اجتماعی و آسیب‌های ناشی از آن واقعه را با سرعت و کیفیت بیشتری انجام خواهد داد. از این رو به باور متخصصان علوم اجتماعی همچون دکتر ناصر نکوهی امروز بزرگ‌ترین شانس ما اتفاقا در

نمونه‌های بسیاری از فجایع زیست‌محیطی اخیر در کشور، وحدت را استوارتر کردند. برای مثال روز شنبه، ۲۱ مرداد ۱۳۹۱ آذربایجان شرقی با دو زلزله شش ریشتری لرزید و تعداد زیادی کشته و زخمی برجا گذاشت. این خبر با سرعت زیادی به رسانه‌ها و شبکه‌های اینترنتی منتقل شد و در میان همه مردم ایران پیچید. خبرها، گزارش‌ها، یادداشت‌ها و اشعار بسیاری در عرض چند روز پس از وقوع زلزله در رسانه‌ها و به‌خصوص رسانه‌های مجازی تولید شد که سبب شد مشارکت عظیم و پی‌وقوع این زلزله در ابعاد کمک‌های مردمی، تولید متن‌های مختلف تحلیلی، خبری و...، اقدام جامعه هنری و فرهنگی برای راه‌اندازی سیستم‌های کمک‌رسانی، واکنش‌های عاطفی و احساسی و تصمیم‌گیری‌هایی برای حل مساله، هم‌اینک در اهوازی که مجموعه‌ای از سایر فرهنگ‌های مختلف استان در آن زندگی می‌کنند، کارون توانست کارکرد جدید خود را به ما نشان دهد. تعریف جدیدی که کارون به ما داده، نیازمند تامل و تمرکز بیشتری است. نباید فراموش کرد که

مردم غوزستان با هدف جلوگیری از انتقال آب کارون برای دومین بار زنجیره انسانی تشکیل دادند. هزاران نفر از سراسر غوزستان به صورت خودجوش زنجیره انسانی حمایت از این رود را بستند. این زنجیره مردمی در فاصله پل هفتم تا پل سوم اهواز از ساعت ۱۶ بعدازظهر تا ساعت ۱۹ ادامه داشت. دستداران کارون در آرامش با پلاکاردهایی که در دست داشتند اعتراض خود را به انتقال آب نشان دادند. «کلنا لکارون» «هوا را از من بگیر، کارون را نه» «کارون خط الأحمر» «کارون را نجات می‌دهیم» «تغالب الحکومه به عدم بناء السدود» «کارون لنا» و... شعارهایی بودند که به زبان عربی و فارسی در دست محافظان کارون بود. اما نکته‌ای که در این تجسم انسانی قابل توجه بود، تعریف و شکل‌گیری کارکرد جدید رود کارون بود که برای نخستین‌بار توانایی خود در به وحدت کشاندن فرهنگ‌ها را نشان داد. هرچند این کارکرد در گذشته نیز خود

سازمان آکھی و تبلیغات
نشریه جنوبیما آکھی می پذیرد.
تلفن تماس:
۲۹۲۵۷۱۰
۲۹۲۴۳۴۹
Email:joonobiha@yahoo.com

الحاجه زهرا زکانی اصل (ام حسین)
حجکم مقبول و سعیکم مشکور
هینت تحریر به هفته نامه جنوبی ها

محمد عیباوی رسماً شهردار شهر کوت عبدالله شد

قدردانی و محمد عیباوی رسماً سکاندار کوت عبدالله با حضور امام جمعه و مسئولان این شهرستان برگزار شد. در این جلسه که در فرهنگسرای مهدیه کوت عبدالله برگزار شد از تلاش‌های چندین ساله مسمود اژدری شهردار سابق منطقه ۵ شهرداری اهواز و شهردار کوت عبدالله و همچنین ناصر جنادله سرپرست یک ماهه شهرداری این شهر

به مناسبت روز دانش آموز
ارزان ترین تبلت دنیا در اهواز ساخته شد

مدیر عامل شرکت تولیدی ارتباطات ایرانیان اروند گفت: این تبلت ۷ اینچی ۳۵۰ گرم وزن دارد و قیمت آن در بازار ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار تومان است .
مربداری افزود: ساخت این نوع تبلت یک سال به طول انجامیده و پیش بینی می شود ماهانه ۲۰ هزار دستگاه تبلت در این شرکت تولید شود.
شرکت تولیدی ارتباطات ایرانیان اروند هم اکنون علاوه بر ۸ مدل انواع تبلت ۲۵ مدل انواع تلفن همراه نیز تولید می کند .

فرماندار:
زمان و مکان تجمع استکبارستیزی ۱۳ آبان ماه در اهواز

عبدالنیز فدعمی فرماندار اهواز، با اشاره به سه حادثه تاریخی تسخیر لانه جاسوسی به دست دانشجویان پیرو خط امام(ره)، روز دانش آموز و سالروز تبعید حضرت امام خمینی(ره) از ایران به ترکیه در روز ۱۳ آبان ماه، خاطرنشان کرد: این روز یکی از روزهای سرنوشت ساز در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است.

وی افزود: مراسم ۱۳ آبان ماه هرساله با اهتمام ویژه ای برگزار شده است و امسال نیز مراسم باشکوهی با حضور اقشار مختلف به ویژه دانش آموزان و دانشجویان، برگزار می شود.

فرماندار اهواز از انجام هماهنگی لازم جهت برگزاری هرچه باشکوهتر مراسم ۱۳ آبان ماه در اهواز خبر داد و افزود: مراسم ۱۳ آبان ماه امسال در اهواز با عنوان تجمع بزرگ استکبار ستیزی، ساعت ۹ صبح در محل مصلای مهدیه امام خمینی(ره) برگزار می شود

حجت الاسلام والمسلمین جعفری رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی خوزستان، نیز در این جلسه با اشاره به این که استکبارستیزی جزء ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و هست، خاطر نشان کرد: تجمع بزرگ استکبارستیزی امسال باحضور همه اقشار مردم نظیر بازاریاران، طلاب حوزه های علمیه، تشکل های مختلف و دانش آموزان و دانشجویان برگزار می شود.

ما می توانیم آرامش را به چشمان شما هدیه

فوق تخصص پیوند قرنیه و جراحی لیزری
مطب تخصصی چشم
دکتر مجید محبی
جراح و متخصص بیماریهای چشم

آدرس: تهران - ضلع شمالی میدان ونک - کوچه شریفی - جنب بانک مسکن
شماره ۶۱ - ساختمان پزشکان خشیار طبقه دوم تلفن: ۸۸۲۰۲۲۲۱
mohebbimd@yahoo.com

توجه
توجه

یک واحد منزل مسکونی یک خوابه دارای امکانات کامل واقع در
سپیدار بلوار مهاجران منازل ۲۲۴ واحدی تعاونی مسکن،
خیابان ۲ واحدی حیاط داربا ۸ میلیون وام بانکی بدون جریمه
پرداخت با مبلغ اولیه ۷۰۰میلیون، متراژ ۶۴ مترمربع فروش می‌رسد.

شماره تماس:
۰۹۱۶۸۲۸۱۷۱۳ کریمی
۰۹۳۷۷۶۵۱۹۹۲ ریگی

قابل مذاکره

الشعر

حكاية الشمس...

***محمد منابى**

ذات اليوم
استقبلت الشمس
وبيدها كخيوط الفجر
ازاحت ستر الظلام
فكان يوم جديد
وصباح جديد لها
فجلست بهوده على
الكرسي السماوي
وبدأت تنظر
بقطعات النجوم
وتكثر بشعرها الذهبى
وصارت تنظر
من نافلت السحاب
الى بلد الاحران
الشمس ذات الوجه الضاربي
وصاحبة الثوب النشارى
والمترنزه بوشاح الغيم
صبحت الصباح
فرد عليها الصباح
بهوده صوت النسيم
مرحبا يا سيدتى
انى لا اعلم ذرة
عن حكمة ربنا
ولماذا لهذا المكان
اليوم ارسلنا
ابنسمت ولمع عن
ثورها شعاع
وقالت: من هؤلاء القوم
وما لنتهم وخرقهم
وما افكارهم وشغفهم؟!
ارانبهم صغار
بحجم النمل
لكن ليسوا بقدرة النمل
بل انهم عاجزين
عن حمل حبات
«الحب» و«النساج»؟!
وفي يوم الحب
لا يغفلون سوى
يلصقون على الحيطان
الالوان والاشعار؟!
الصباح: الزمان هو من
يضحكهم لنا و
قبل نهاية السماء...

• • • • •

ايا من كالثرية ايبان

تظن ليلى بوناسه احياك

كتبتك بالعلكل واشلرن

من اريد امحيك امحي العكل بيه

سيدحسن الشريفي

ليالى السود كثرة جنون خلن

براسي و غمت اظن اعداي خلن

اخبرك موش بس بالعلكل خلن

عن عيني و شلل خلن بدته

مرتضى التيسى

رضاب اشفاك يشكر ما سكن بيك

واسف حبي و ودادي ما سكن بيك

جنت وكث الموارد ما سكن بيك

ابرحيلك خنت يوز اجفوف ادبه

رمضان النعيجلى

تكلنى ابطل نزلهم طل شظلما

اشوفن والدمع حافر شظلما

ابوجنتى او ضعن النودهم شظلما

خذانى او من صحت مارد عليه

اسماعيل الضبي

هاوك الماترك بدعج و ر ع باي

اوصدوك اثلرلوعاتى و ر ع باي

من روعك صرت طو عك و ر ع باي

ابالك خلل خيلك يمر بيه

ناصر ابو ماجد الفرطوسى

ادب

بات الخريف قريبا



حديثي و اخذ حبي يزداد لها بعد ان تعرفتُ عليها اكثر فاكثُر و بعد شهر من تصريحنا بما في قلوبنا تجاه البعض اخذنا في الحديث عن الزواج و توقيته فقررنا الاقتران ببعضنا البعض في منتصف الماجستير و بالفعل تم الزواج بعد اتمام جميع التشنكيلات و ما يسبق كل زواج .

و ينقل صديقي و يقول:

هكذا كانت حياتي في الشطر الاول، كلها فرح و سرور و نجاحاتٌ و توقّعاتٌ دراسية و اجتماعية و عائلية و مضت الحياة بيني و بين زوجتي الحبيبة التي جعلتها نصفي الآخر الذي لا تتم السعادة بدونه. و بعد ستة شهور من زواجي و بعد ان قضيت اسعد ايام عصري بدت بعض الاختلافات بيني و بين زوجتي و انا بطبعتي الديمقراطية قد قبلت من زوجتي الاستقلال في الرأي و احترمتُ رايتها و ان كنت لا أشاطرها بقبوله و قلت لها لك الحق في الاختلاف و علي القول في عدم قبولك لآرائي و هكذا اعطينها و اصبحت لها المجال في الحرية و في التعبير عن افكارها و حينها كل ما كان من حقي عليها مثل العمل في خارج البيت (و كان عمل زوجتي مدرّسة)و اعطينتها الان في النخول و الخروج من بيتنا لمعرفتي بمسئولها الفكري فظننت ان هذا يجعلني اكثر قربا لها و احبّ وعا في قلبها لكن المكس حصل تماما فان زوجتي الحبيبة اخذت في التمرد عليّ و كلما تنازلتُ عن حق لي فانها تزيد المزيد فوقع الكثير من المشاجرات بيننا و تكرّرتُ بسبب عنيذنا و بما كان من امرنا و لكن لا جدوى بعد العدوى و لا شفاء بما فاتة الدواء فالاختلافات اخذت و تزداد و زوجتي الحبيبة قد اخذت بالتفكر بما هو حقي فلم تراعي بانني رجل يحب ان يكون رجل البيت و صاحب الكلمة المطاعة و تنكرت بانني زوجها و لي الحق في فعلها خارج البيت و عنده فكر مهمي و ازداد قلقي من المستقبل المجهول فتحيرت في امري بعد ان توقفت عن الاستمرار في نيل المراحل الداراسية العليا فعطيت قافلتي عند مرحلة الماجستير من كثرت المشاغل و ازدحام الافكار في ذهني و فقدت كل ما يسبب السعادة الحقيقية الا و هو الهوده و السكنية في البيت فكان رجوعي الي البيت بمثابة النخول في حلبة الصراع الكلامي و المشاجرة اللفظية و هذه المشاجرات احيانا تكون حقيرة جدا و يخلج الرجل من البوح عنها فاختلافاتنا احيانا تكون على غسل ملابسي و احضار طعامي مثلا، نعم لقد وصلت اختلافاتنا الى هذا المستوى الخطير فزوجتي صارت لا ترى عليها الحق في غسل ملابسي و تجهيز طعامي و لا اخذ موافقتي في الخروج من البيت و احيانا كثيرة اغض الطرف عن هذه الحالات و احيانا و بطبعي و الرجولية و حب السلطة الاسرية لا استطيع التحكم في نفسي فيفكر الصباح و تضطرم نار المشاجرة بينا و يتدخل الاقرباء باصلاح ما قد بين شابين متفقين . و عندما اذكر اني و زوجتي شابين متفقان يزداد حزني و تكثر حسراتي فاحيانا اقول في نفسي يا حبذا



امطرت بغزارة ، ففاض حتى امتلأ سعادة بالمايه الجديدة ، لكنه ، و هو في مساره ، بجعم الجداول الصغيرة ن و يرتب المياه ، و يوزعها فوق مساحاته العريضة ، لاحظ ان جدولا صغيراً ، يترك مساره ، و ينفلت إلى صخور بعيدة ، و يتجه إلى حيث يمتد الفضاء ..

رواية جديدة لفارغاس يوسا

تحدث الروائي البيروفي ماريو فار غاس يوسا الحائز على جائزة نوبل للآداب عام ٢٠١٠ عن روايته الجديدة المعنونة مؤقتا بـ«إل هيرويه ديسكريتو» التي تدور أحداثها في مدينة بيورا في البيرو وتتناول موضوع التغيير الذي تشهده البيرو، مع بعض سمات السيرة الذاتية.

وقال فار غاس يوسا على هامش حفل تكريمي في العاصمة التشيلية سانتياغو أقيم على شرف الكاتب التشيلي خورخي إيفاريز، إن أحداث الرواية «تجري بين بيورا وليما، والأحداث كلها ليست مبكرة مائة في المائة، لكنها أيضا ليست رواية تحكي سيرة ذاتية»، مضيفا أنها «انطلقت من صور في الذاكرة، وكانت تلك نقطة البداية». وكان صاحب رواية «وليمة اللّنين» قد لفت قبل بضعة أيام إلى أن «جزءاً من الرواية يتناول عملية التحول السريعة التي تشهدها البيرو لحسن الحظ»، في إشارة إلى الازدهار الاقتصادي والتغيرات الاجتماعية في وطنه الأم.

وقال «لقد تابعنا عن كتب تطور بيورا ولذلك أشعر براحة أكبر عند تصور أحداث وشخصيات ومواقف في مدينة مثل بيورا بدلا من مدن أخرى لا أعرف عنها سوى القليل».

كتاب جديد

وأوضح الأديب الذي أمضى سنوات من طفولته في مدينة بيورا الدافئة الواقعة شمال البيرو بالقرب من الساحل، أنه يصدر قبل روايته الجديدة هذه كتابا بعنوان «لا سيبيلاثيون دل إسيبيكاتولو» (حضارة العرض) في أبريل/نيسان المقبل في إسبانيا، بمالغ بعض الأوجه المتأقفة من الثقافة الحالية.

وكان يوسا قد برز في عالم الأدب بعد نشر روايته «المدينة والكلاب»، التي تال عنها جوائز عديدة وترجمت إلى أكثر من عشرين لغة، ومن أهم أعماله الروائية «زمن البطل» و«وليمة اللّنين» و«شيطانات الطفلة المشاغبة».

ويعتمد يوسا -المولود في بيرو عام ١٩٢٦- كثيرا على التنوع في كتاباته، على مستوى الرؤى والموضوعات، معتمدا على تجربته الشخصية وحياته الحافلة، وهو ما وضعه في مكانة رفيعة بين أبناء جيله من أدباء أميركا اللاتينية الكبار، وهو يعد أول أديب يفوز بنوبل منذ فاز بها الشاعر المكسيكي أوكتافيو باث عام ١٩٦٠.

*عننان زماي

لو كنتُ فلاحا بسيطاً لا املك من الشهادات الا بطاقة هويتي و لى زوجة غير شاغلة و بسيطة و غير جامعية لاني اظن في هذه الحالة تكون السعادة سهلة المتال و لا تكدرها المناصب و الاموال الكثيرة.

و اخيرا اتخذتُ القرار الذي كان لا بديل عنه و عزمْتُ على الانفصال من زوجتي الحبيبة التي كانت كلّ ما املك و كنتُ و مازلت احبها و لم يخطر في قلبي سواها لكنني اتخذتُ هذا القرار بعد ان استحال الاستمرار في تلك العنجية و ذالك الصراع الذي ما كان فيه متنصر بل كنا اتا و زوجتي خاسرين فيه دانما. و هكذا انفصلتُ عن زوجتي و لا علم لي بها الآن سوى اني اعلم انها مازالت تعيش في بيت ابياها .

هذه كانت قصة صديقي الذي كلما حدثني عن حياته الزوجية تفرقتُ عنيّاه بالدموع و راح يذكر لي مدى حبه لزوجه و تفرطها فيه و مدى عدم فهمها لهذا الحب.

و انا قد سمعت الكثير من هذه القصص في مجتمعنا الاوهاري فالناخذ العبر و الدروس و نفهم الاخطاء التي يقع فيها كلا الطرفين فالتأثر في قصة صديقي يجد الاخطاء كثيرة جدا و صديقي مع حبي و تقديري ايضا كانت له اخطاء و زلات كثيرة لانه و في الاساس لم يدرس طبيعة زوجته النفسية و لم يحكم العقل في كثير من المواقف فبنتنا الجامعيات - الا من رحم ربى- لا يقرنن هذه الافعال من ازواجهن و مع الاسف الشديد بسنن الفهم و التصور عندما يبنت الزوج ' الحرية لزوجه و يقدر لها ازنها و يحترم وجهة نظرهما فتظن خطأ ان كل هذه الافعال هي من حقها و لا فضل لزوجها عليها فلا تشكر زوجها الذي قال ربمول الله فيه: لو كنتُ امرا احدا ابن برقع لغير الله لامرت المرأة ان تركع لزوجهها لعلم حقه عليها» صدق رسول الله.

نعم اليوم و مع مبالغ الاسف تقع هذا الاختلافات بين الكثير من شبابنا لاسيما بين الشابين اللذين يكونان شاكيلين و اصحاب وظيفه.

فاقول يجب على الرجل اولا ان يدرس زوجته دراسة ذكية و يفهم من خلال هذه الدراسة عقلية زوجته فلا يفرط في امرها شيئا بل يجب ان يضع كل فعل في مكانه و لا يتهاون في الامور البسيطة في البداية لان هذه الامور البسيطت ستستغل يوما بعد يوم و يفتد مع الايام السيطرة عليها فلا يفع الكلام عندئذ و يصعب التقاهم بيهلها

و اقول يجب على الزوجة العاقلة ان تعلم انها خلقت لتسعد الرجل كما انه خلق ليسعد زوجته فلا تنافسه في ما لا يحق لها و لا تفرط في تقديره و طاعته فالرجل يا بلاتنا يجب اكثر ما يجب من زوجته الطاعة و الاحترام و طاعة زوجها ايئنها الفتاة الجامعية و ايئها الفتاة الشاغلة هو فرض عليك لا يجوز التهاون فيه و ليس فيه أية عيب و لا أية حقارة او مدلة بل انه شرف ما بعد شرف و وسام نيل لا تحززه الا فتاة سعيدة فالرجل يا بناتُ لا يكون سعيدا اليئة عندما تحاولي ان تكوني منافسة له في كل شئ بل يريد ان يكون دائما هو الاعلى و هو القائم عليك و لا تظني ان هذا تطول من زوجك بل هو حق اعطاه الله له لما له من صفات و ما عليه من واجبات تجاهك فقد قال الله جل في علاه((الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض)) نعم ايئها الفتاة العاقلة ان الله العليم قد فضل الرجل على المرأة في بعض الاشياء و العكس، و من جملة ما اعطاه الله هو القيام عليك و توفير ما تحتاجين اليه.

صرخ النهر ملنادي الجدول ... ناداه .. و ناداه .. إلا أن الجدول سار مبتعدا في طريقه الجديد .. قائلا بصوت بعيد :

- سأبحث عن مسار جديد !

مشى حتى وصل إلى صخور متراكمة ، و عالية ، تسد طريقاً حولهها ، و تسأل من تحتها ، حتى مرت مياهه .. رأى أمامه الكثير من الشجيرات ، و الأعشاب العطشى ، ركض نحوها ، و ساقها ، جاءت طيور صغيرة : عصافير ، و حمام ، و قطا ، و حجل ، و سحالي ، و حيوانات قافزة ، و زرافة .. ومرحة .. و شربت .. بعضها جلس يأكل غذاءه .. و كثير من أولادها كونوا حلقات لعب .. انشرح قلب الجدول ، و استقر هناك مكونا بحيرات ، وجداول تدور حول الأشجار ، و الصخور .. سمع ضحكات أصغافله الجدد ، فازدانت سعادته .. كان صوت نداء النهر البعيد ، يصل اليهم متقطعا ، و قد ظلّلكه الخيوم ...

الكندية أليس مونرو تفوز بجائزة نوبل للنداب

منحت الأكاديمية السويدية جائزة نوبل للآداب لعام ٢٠١٣ للروائية الكندية التي تكتب بالإنجليزية أليس مونرو (٨٢ عاماً) التي وصفت بأنها "سيدة فن الأصوصة الأدبي المعاصر". وهي أول كندية تفوز بنوبل الآداب، والمرأة الثالثة عشرة التي تكون اسمها في سجل هذه الجائزة.

ولدت أليس مونرو في ١٠ يوليو/تموز ١٩٣١ في وينغهام بولاية أونتاريو، بدأت بكتابة القصص في سن المراهقة، غير أنها نشرت كتابها الأول عام ١٩٦٨، بعنوان "رضع الظلال السعيدة"، ومن أهم مجموعاتها "العائق المسافر" و "الهاربة" و"قريبا" و"المشهد من كاسل روك" و"حلم أسي" و"من تظن نفسك" و"أفكار المشتري" وآخرها "الحياة العزيزة".

تعمل مونرو في مجموعاتها القصصية، الأقرب إلى الرواية الصغيرة، على رصد دقيق للعلاقات الاجتماعية في بلادها وخاصة في مدينة فانكوفر، ويتميز قسها بالوضوح والواقعية النفسية، حتى أن بعض النقاد شبهوها بالكاتبت الروسي الراحل أنطون تشيخوف، ووصفوها بتشخيف الكندي. وكانت قد حصلت على جوائز عديدة بينها جائزة مان بوكر البريطانية عام ٢٠٠٩.

وكانت مونرو ولحّت في يونيو/حزيران الماضي إلى عزمها اعتزال الكتابة، وقالت في مقابلة صحفية آنذاك "ربما توقفت عن الكتابة. ليس ذلك لأنني لم أكن أحبها بل لأن هناك مرحلة يفكر فيها الإنسان عن حياته بشكل آخر".

وتوقفت الكاتبة الكندية على مجموعة من الكتاب الكبار الذين رشحوها للجائزة المرموقة في مقصّتهم الأديب الإيطالي أمبرتو إيكو، والروائي التشيكي ميلان كونديرا، والروائية الأميركية جويس كارول أوتيس، والكتب المسرحي المجرى بينو ناداش، والمعني والشاعر الأمريكي بوب ديلان، إضافة إلى الكاتبين الأميركيين المخضرمين توماس بينكون وفيليب روث.

وجائزة نوبل للآداب هي رابع جائزة من جوائز نوبل تعلن هذا العام حتى الان بعد جوائز الطب والفيزياء والكيمياء. وبدأ منح جوائز نوبل في العلوم والآداب والسلام عام ١٩٠١ بناء على رغبة ألفريد نوبل مخترع النيترويل. وتصل قيمة الجائزة لثمانية ملايين كرونة (نحو ١,٢ مليون دولار). وفاز بجائزة نوبل للآداب العام الماضي الروائي الصيني من ويان والشاعر السوداني توماس ترانسترومر.

جنوبيها ٣

وجهة نظر

العلاقات العمودية و النفيقية

***خليل حميد**

متذ أن خلق الإنسان وهو يعيش مع عائلته، جماعته ، عشيرته، قبيلته ، هذه خصوصية جماعية عند البشر و كانت علاقة قرابة الدم تربط بين افراد تلك الجماعات و من هذه العلاقات ،العلاقات الاجتماعية، الأسرية، الإقتصادية، العرفية وحتى السياسية في بعض الأحيان .

أما عن شكل العلاقات في هذه الجماعات الصغيرة غالباً ما تكون أسرية أي أن يكون الحسب والنسب من صلب واحد أي الأب واحد و الأبناء كلهم يحملون إسم الأب الذي يصبح في ما بعد الكبير أو الزعيم لهذه الجماعة غالباً .

أما العلاقات الإقتصادية فيها محدودة ضمن القبيلة الواحدة أو الجماعة نفسها و يعمل اغلب الذكور في المزرعة و لإنتاج حاجاتهم اليومية و هناك نوع من تقسيم العمل بشكل بسيط.

بلاحظ في ما بينهم بينما الإناث يعملن في البيوت في مجال تحضير الطعام و تربية الأطفال و ايضاً يساعدن أزواجهن في المزرعة أحياناً .

يوجد في هذه المجتمعات اتفاق أو ميثاق أو عهد اجتماعي يلتزم به الجميع و يتبعونه، أما طريقة الزواج في هذه الجماعة غالباً ما يكون محصور داخل الجماعة بمعنى أن الزوجين لهما علاقات قرابة و ينتمي واحد الى الآخر وهذا الزواج رائج بينهما و منه زواج ابن العم من بنت العم و هذا الأمر كثيراً ما يحصل في الجماعات التي يطغى عليها طابع البنيو القبلي لحد الآن، و بعض العشائر في مجتمعنا مثلاً له .

لذلك تأخذ العلاقة طابعاً آخرأ في اسلوب عيش هذه الجماعات بحيث تتشكل قرية أو قرى في بعض الأحيان من عائلة واحدة أي صلب واحد و الناس فيها ينتمون بعضهم للبعض من ناحية النسب و جميعاً ينحدرون من صلب واحد



أي أب واحد و هو قد يكون زعيم أو شيخ تلك الجماعة.

وعندما ازداد عدد الجماعة أصبح هناك حاجة إلى بناء بيوت سكنية إضافية ليستقروا فيها و أصبح أيضاً بيت الأب الكبير لا يتسع لأبناء كلهم، لذلك بدأ الأولاد ببناء البيوت قريباً من بيت الأب و كثر البناء حتى أنشأ الزقاق ومن ثم أنشأ الشارع و بعدها تكون حيّ سكنيّ غلب عليه طابع العلاقات القرابة القوية الثابتة المستقرة و المحصورة في مكان محدد و العلاقات في ما بين الناس فيها تسمى علاقات أفقية بمعنى أن البيوت تبني بشكل أفقي جنباً إلى جنب و الناس تحكمهم علاقات اجتماعية متماسكة، صلة الرحم بينهم قوية، هم يتساعدون و يتعاونون في ما بينهم، يتعاقدون لحل مشاكلهم و ايضاً يشتركون في مناسبات الفرح و العزاء لذويهم و يمارسون طقوساً خاصة بهم نادراً ما تشهدهم في المدينة، الافراد يعرفون بعضهم البعض و يتدخلون في أمورهم المعيشية اليومية بشكل عفوي ليتضامنوا فيما بينهم و الشعور بالعيش مع الجماعة و للجماعة هو الغالب .

أما حينما بدأ دولااب الثروة الصناعية بالدوران غير من شكل هذا النمط من العيش و جاء بشكل مختلف، جلب معه التطور العمراني و الإقتصادي و الاجتماعي و الثقافي مغيراً نظاماً إقطاعياً فلاحياً بأخرى رأسمالياً صناعياً و أخذ اللون التكنولوجي الحديث يصبغ أقصى أرجاء القرية و المعمورة ومن ثم تم إنشاء المدن .

ازداد عدد سكان المعمورة و أنشئت المصانع و الموانئ و بدأت هجرة الناس من الأرياف و القرى إلى هذه الأماكن الصناعية و تشكلت مدن صناعية ثم تطورت فيها كل شئ، من طريقة الأكل و الشرب حتى ركوب السيارة و حمل هقف النقل و كتابة النصوص بالكمبيوتر و ايضاً العيش في المباني السكنية الضخمة و المرتفعة و ناطحات السحاب و صار الإنسان يسكن أبراج منيذة كما يقول القرآن و ضعفت أو أندمعت العلاقات الاجتماعية في بعض الأحيان ، أصبح التنوع الجيني بين الناس من أسلاب مختلفة لكن يجتمعون في مدينة واحدة و صار كل واحد منهم يشغل وظيفة محددة لقاء أجر محدد و بالتالي أصبحت العلاقات بين الناس علاقات عمودية ، لا تربطهم صلة الرحم و المحبة و الخنان و حب المشاركة و المساعدة و روح التعاون بين الجماعة، باتت علاقات ضعيفة لا تجمع سكان بلدية واحدة إلا في إجتماع لجنة البلدية للتشاور حول بعض الأمور المتعلقة بالصيانة أو جمع بعض الاموال لأجل تسهيل عمل النظافة أو حراسة البلدية، صار كل شخص يعيش مع أسرته النوانية الصغيرة في بيته يمارس حياته اليومية بعيداً عن جيرانه لا يعرفهم و لا يتواصل معهم إلا في حالات نادرة .

فلتلك الأسباب انعدمت صلة الأرحام بينهم و أصبح الإنسان اسيراً لعمله أو وظيفته و رب عمله و أصبحت العلاقات انتاجية إقتصادية محضنة لا تدخل فيها علاقات إجتماعية ثقافية عاطفية قوية متماسكة و متجذرة .

لمحات من شهر محرم الحرام فى الاهواز

الأهوازيون يحيون ذكرى إستشهاد الامام الحسين (ع)

*سيد كاظم القرشي



حيث مصرع الحسين و أستشهاده عليه السلام بالإضافة الى ذكر البطولات التى خاضها أصحابه و أهل بيته لاسيما أخيه ابوالفضل العباس (ع) .
يقيم الأهوازيون على مدى شهرى محرم و صفر الماتم و مجالس العزاء و لكن للعشرة الأولى من شهر محرم طابعها الخاص ، ففي هذه الايام تسير الموكب فى الشوارع و تنتقل بين الأحياء و الحارات لتقديم التعازى من موكب الى موكب و من هيئة الى هيئة أخرى مرودة فى أغلب الأحيان الهدف الشهير (أهلاً و سهلاً مرحبا بيكم - جيتو تمازونا الله يعازيكم) و فى اليوم السابع تسير العشرات من القوافل لتسبيح رمزي لأبوالفضل العباس (ع) حاملين على أكتافهم تمثالاً رمزياً و الكثير من الاعلام و الرايات السوداء حيث تجد الكبار و الصغار و الرجال و النساء فى الشوارع و الطرقات و يقدمون الذنور من مأكّل و مشرب للمعزين و كثيرا من العوائل تقوم بطهى الطعام و تقديمه فى يوم السابع الذى يسمى لدى الأهوازيون ب (مقتل العباس (ع)) .
أما فى الليلة الثامنة تقام مراسم تحت عنوان عرس القاسم أحياء لذكرى إستشهاد القاسم ابن الامام الحسن المجتبى (ع) أحد أبطال الواقعة على الرغم من أنه لم يكن قد بلغ الحلم بعد ، عندما خاض المعركة مضحياً بمهجته فداءً لعمه الامام الحسين (ع) .
و فى ليلة الإحياء و هى العاشر من شهر محرم الحرام فإن الكثير من الناس يحيونها بشكل خاص إذ يقفون فيها مستقيطين حتى وقت متأخر إستذكراً لحال الحسين (ع) و أصحابه و أهله فى تلك الليلة فتراهم يتوافدون للمساجد و الحسينيات من المساء حتى الصباح للمشاركة فى العزاء .
أما فى اليوم العاشر فإن المنات بل الالاف من المجالس تعقد لزواية القصة الكاملة لإستشهاد الامام و أصحابه فى كربلاء (المقتل) إذ يشرح الخطباء و قارئى المقائل برواية القصة من طلوع الشمس حتى أذان الظهر

تشهد المدن و القرى الأهوازية فى شهر محرم الحرام من كل سنة نشاطاً كبيراً و ملحوظاً من جانب جميع الفئات فى المجتمع صغاراً و كباراً ، رجالاً و نساءً و شيوخاً و شباباً لإحياء ذكرى إستشهاد سيد الشهداء أبى الاحرار الامام الحسين (ع) و أصحابه و آل بيته الأطهار فى واقعة الطف فى كربلاء فى عام واحد و ستين للهجرة حيث تجد الجميع يتحرك و باهتمام بالغ لانجاح مجالس و مواعب العزاء الحسينى مقدماً ما يقدر عليه كلاً حسب امكانياته ، وإستناعته ، ففي اليوم الاول من الشهر الحرام و أحياناً قبله بيضعة أيام تتم الإستعدادات اللازمة لتهيئة الشوارع و الأحياء و المساجد و الحسينيات عبر نصب الاعلام و الرايات السوداء على جنباتها و تعليق اللافتات التى تحمل أشعاراً فى مدح الامام و أهل بيته و أصحابه أو عبارات من خطبته الشهيرة (ع) فى يوم عاشوراء الذى لم يخاطب بها معسكر أبى زياد و حسب و أنما أراد أن يسمعه جميع الناس فى جميع الأزمنة و الامكنة حيث أطلقها ضد الظلم و التعسف و الباطل و نصرة للحق و المظلومين ، فتنتشر الاف الاعلام و اللافتات السوداء فى مختلف أنحاء المدينة لتتشع بالسواد الكامل تخليداً للناجعة الأليمة و تذكيراً بصراع الحق الدائم المتمثل بالامام (ع) مع الباطل المتمثل بيزيد و زمرته الضالين فى كل زمان و مكان مهما كان الباطل منعسفاً و ظالماً .

و تنهياً للمساجد و الحسينيات و تترعر فيها مجالس الوعظ و الإرشاد و استحضار حياة الامام (ع) من الليلة الأولى للشهر الحرام ، خاصة تلك الفترة التى ترك فيها الامام (ع) المدينة المنورة و مكوثه أربعة أشهر فى مكة المكرمة و من ثم سيرته الى العراق بعدما تلقى الرسائل العديدة من أهل الكوفة و وجهائها يطلبون قدومه اليهم لانقاذهم من شر الطاغوت و الظلم و الإستبداد و وصولاً الى كربلاء و رواية القصة الكاملة للواقعة فى يوم عاشوراء من الصباح الباكر و حتى منتصف النهار

الأدب المسرحي بين سعدالله ونوس و أكبر رادي - دراسة مقارنة . رسالة ماجستير للطالب أحمد هاشم أقيم يوم الأربعاء الموافق ل ١٩٩٢/٧/١ فى جامعة الشهيد تشرمان قسم اللغة العربية و ادابها مناقشة رسالة ماجستير من إعداد أحمد هاشم سوري عنوانها (الأدب المسرحي بين سعدالله ونوس و أكبر رادي) . تشكلت لجنة التحكيم من السادة :

أ.د محمود شكيب أنصاري (مشرفاً) ، د . د . محمود أيدانان (مساعداً) و د. دادرخاء (عضواً) و السيدة د. عورش (عضواً) و د . كريمي فرد (مراقبا) .
بدأ الأستاذ الدكتور أنصاري الجلسة ، فقدم الطالب إلى لجنة التحكيم و أشاد بجهوده و عتز عن إعجابه بأسلوب الطالب و حسن معالجته للموضوع ، ثم طلب إليه أن يبدأ بشرح خطته و المنهج الذي اتبعه فى بحثه و تقديم عرض لمحتوى الدراسة .

تحدث الباحث عن هدفه فى اختياره لهذا الموضوع و كان ، حسب قوله ، هو مد جسور التواصل بين الأمتين العربية و الإيرانية هو الحافز له فى اختياره لهذا الموضوع . ثم ذكر الصعوبات التى اعترضت له أثناء البحث فكان شحة المراجع من أبرزها .

جاء البحث موزعاً على مقدمة و مدخل و سبعة فصول . فى الباب الأول من المدخل تحدث عن تاريخ المسرح الإيراني و مراحل تطوره و أهم أعلامه ، و كذلك فعل فى الباب الثانى فيما يتعلق بالمسرح فى سوريا .

فى الفصل الأول و الثانى قدم نبذة عن حياة أكبر رادي و سعدالله ونوس و عرضاً لمسيرتهما المسرحية و أهم خصائص مسرحهما كما وقف عند بعض أعمالهما . فى الفصل الثالث تناول الناتج التنظيري و النقدي لكل منهما و ناقش أهم أرائهما فى قضية الشكل و المضمون و قضايا تتعلق بالتقليد و المعاصرة و كذلك التأسيس لمسرح شرقي .

فى الفصل الرابع تناول الأنواع الأدبية من مأساة و

مناسبة !

*مسجد نواصر

كانت متعبة جداً و لكنها لا تريد أن يفوتها إندال جبال الشمس على كتف القرية ، تخرج من الغرفة و يبدها الـ « الجدر » (١) لتذهب كعادتها نحو المنور .
- « يمه وين رايحة من غيشة الله ... »
- « اجيب ياه يمه ... »

- تحتج واثتها على خروجها من البيت لكن احتجاج الأم لا يمنعها من الخروج فى الصباح الباكر ، فالمصغور اذا خلق للمرة الأولى يصره شغف كبير للطيران و يزداد إستيقاظه للتخليق كل صباح ، تخرج من البيت و تلتحق بسرب النساء ، تقف الى جانب «صديقة» بنت «أحويل» .
- « شفتي ! أمي مو راضية اطلع بس انا ما اكرر على افراكة ...موت! . »
تهمس «منسية» الكلمات فى أذن «صديقة» .
«صديقة» امرأة و لكنها صندوق اسرار ، عندما يخفي شخص ما أو يتأخر ، أهله يقصدونها للاستفسار عن مكان تواجدهم .

و يروون القصة من خروج الامام (ع) من مكة المكرمة حتى مصرعه وحيداً بعد ما قُتل جميع أصحابه و أهل بيته فى مشهد بطولى لم يشهد له التاريخ من مثيل و هو كان ينادى بجملته الشهيرة التى استقبل ترن فى مسامع الزمان إلى الابد : (هل من ناصر ينصرني) ليستنهض لهم لمقارعة الظلم و الطغيان .
و فى نهاية مراسم (المقتل) يتم توزيع الطعام بشكل كبير على جميع الذين حضروا المجالس بل يتعدى ذلك ليصل إلى جميع البيوت .
كما أن الأهوازيين يقومون فى صباح هذا اليوم بتمثيل الواقعة بشكل درامى و هو ما يسمى عندهم ب (الدائرة) عبر مشهد يحاولون فيه محاكاة الواقعة و لو بدرجة بسيطة تجسيدا لمفادحة الواقعة و عظم المصيبة إذ تقام

الأول شرحاً لأهم خصائص القصة الجيدة فى المسرحية ثم حاول رصد تلك الخصائص فى مسرحياتهما و خلص إلى أن الكاتبين ، و سعد الله ونوس خاصة ، قد برعوا فى اختيار قصصهما المسرحية و بناء الحكمة . فكانت الغربة و الإدعاش و الجد ، و التصاعد الدرامي من أهم سمات قصص ونوس التى جاءت فى معظمها مستلهمة من التراث القومى و الشعبي و الأسطورة . أما رادي فكان الواقع الراهن يكاد يشكل المصدر الوحيد لنقصه .
فى الباب الثانى قام بتحليل طبيعة الشخصية فى مسرح الكاتبين ، فكانت الشخصية المسرحية فى بعض أعمالهما ذات طابع واقعي و فى البعض الآخر رومسي و تعبيرى و ...

توسعت شخصيتهما فكانت جميع فئات المجتمع: المدرس و التاجر و العامل و الموظف و الفلاح .. موقع اهتمام الكاتبين . و كان للمرأة حضور بارز لكن المفارقة هى أن معظم نساء ونوس متمرده خارجة مستقلة بينما نساء رادي فى الأغلب نمطية تمثل المرأة الخاضعة لسلطة الرجل و التابعة له و المستكنة . ثم ناقش التقنيات التى يتخذها الكاتبان فى بناء شخصيتهما فكانت تتركز على السرد و الحوار و المونولوج و التصوير ..

عرض الباحث فى الفصل السابع لأهم التقنيات و الحيل الفنية التى اتخذها الكاتبان إطاراً لمسرحياتهما و كان من أبرزها : العرض الاسترجاعي ، و تقنية السرد ، و المسرح داخل المسرح ، و ، الارتجال ، و التعريب ، و تقنيات المسرح اللامعقول و تقنيات المسرح التسجيلى لدى بيتر فايس و .. و أخيراً عرضاً لأهم النتائج و فهرسا بالمصادر و المراجع .

أعربت لجنة التحكيم بعد العرض الذى قدمه الطالب عن إعجابها بقوة أسلوبه و بدياهه العربى و حسن عرضه للموضوع و تماسك الرسالة من حيث المنهج ، إذ لا حشو و لا ترهل و كانت مترابطة و وافية .



النذب المسرحي بين سعدالله ونوس و أكبر رادي، دراسة مقارنة

[رسالة ماجستير الطالب أحمد هاشم]

لأصلهما و كان التشابه بينهما فى هذا الجانب واسعاً ، حيث تناول كل منهما قضايا: صراع الأجيال و صدام الأبناء بأبائهم ، و كذلك مأساة المتفك فى المجتمع الشرقى ، و المرأة فى مجتمع ذكوري تقف فيه الأعراف و التقاليد إلى جنب الرجل . و قضايا أخرى ..
تناول فى الفصل السابع تحت عنوان « الجوانب الفنية فى مسرح ونوس و رادي » أهم الخصائص الفنية لمسرح الكاتبين. ففرع هذا الفصل إلى ثلاثة أبواب : تضمن الباب

كوميديا و التراكوميديا فى المسرح و ناقشها فى مسرح الكاتبين ، و بين النقاط التى خرج فيها الكاتبان عن ثنائية الكوميديا و المأساة .
فى الفصل الخامس حاول الباحث مناقشة الاتجاه الواقعي للكاتبين و أشار إلى أهم الملامح الواقعية فى مسرحهما . خلص إلى أن الكاتبين لم يلتزم ما مذهباً بعينه و إنما قد تأثرا بمعظم المذاهب و نهلا من روافد متعددة .
ناقش فى الفصل السادس أهم الجوانب المضمونية

أم «منسية» كانت تشبه صديقة بالصندوق الأسود فى الطائرات و تقول دائماً :

« يمه هاي صديقة كلشي تدري انكوليفيا صندوق الطيارة !، يمه هذا الصندوق الأسود إما ادري اسألونه !... آلى احسين ايسولف عنه .»

طوال الطريق يخيم الصمت على النساء ، فلا يأتي صوت سوى سفونية همس خفيف تأتي من الخلف .
- هاذ هم كارون وصلنا...
- تعرف الماء ، ترفع الـ « جدر » على رأسها و تندندن مع نفسها

-« أي هذا هم الحبيب ، شوفته اترد الروح»،
ترسم الأبتسامة حزينة على وجهها و تعود اندراجها نحو صديقة ، تضحك صديقة عالياً ، صوت خرير المياه يتساقط من فوق رؤوسهن ، نسيم الهواء عادة يصبح بارداً بعض الشيء عندما تتساقط القطرات كشلالات إلى أخصص القدمين و لكنها كانت أكثر أنشأ مع الأجواء الصباحية فى القرية .
تخطي خطواتها متأنلة خلف صديقة ، ترفع رأسها نحو السماء ، لا غيوم ، لا حركة ، لا عصفور ، لا شيء يمر من هناك ، تحزن...

مقال العدد

المرأة نصف المجتمع

*ابو سلام الحيدري

باتت قضية المرأة فى المجتمع قضية لا بد من دراستها بشكل علمى و واقعى .
نرى فى أكثر مجتمعات المتقدمة فى مجال التكنو لوجية و التطورات العلمية للمرأة دوراً هاماً يأخذ بعين الاعتبار .
مثلاً لا شك فيه ان المرأة نصف المجتمع و إذا هذا النصف المكتمل لشريحة الرجال يشارك بشكل علمى فى شتى المجالات نشاهد عجلة التنمية و الازدهار تتقدم و تتبلور بشكل سريع و إيجابيى .
فعلى المجتمع أن يفسح المجال و يهيئ الأرضية لمشاركة النساء و يحترم هذه الشريحة من المجتمع كى تحفز المرأة على المشاركة و تكن عنصراً هاماً فى بناء المجتمع اليومى .
على المرأة أيضاً أن تتحدى بعض النظريات و الذهنيات الخاطئة و الحاقدة على هذه الشريحة المكتملة و المهمة و تشارك الرجل فى المهام و المسؤوليات المجتمعية و تفرض أرائها و نظرياتها ليكون لها وجود حقيقى و واقعى و ملموس و عليها أن تناقش الرجال مناقشة بناءة و إيجابية .

و دورها الأهم فى الحياة أن تنمى و تربي جيلاً متثقاً و واعياً لكى تساهم فى تقدم المشروع الحضارى و التقنى فى المجتمعات و لا تبقى رتت بيت فقط مكثفة الأبدى و مجرد عاملة لتكوى الطعام و تغسل الملابس فى البيت .
و كما يقول امير الشعراء احمد شوقى :

و إذا النساء نشأن فى أمية
رضع الرجال جهالة و خمولا ...
مع الاسف الشديد نرى بعض الرجال و هم كثيرون فى المجتمع يحقدون على النساء و يستغصرونهن و يشعرون بالعار إذا نادوهن بأسمائهن و ينادونهن كما تتنادى البهائم و الأنعام و قد ترى رجلاً يستنكف أن ينادى امرأته باسمها الحقيقى أو بأسم ولداها الاكبر فيناديها بالقالب غير لائقة نرى و بكل وضوح ، كوضوح الشمس فى رابعة النهار انتهاكات شديدة تحدث بحق المرأة فى المجتمع و نمر عليها و كبتها لم تحدث فمن هذا المنطق لابد أن نخلص أنفسنا من النظريات المتدنية و المحقرة للمرأة و كما روى عن الرسول صلى الله عليه و سلم «ان الجنة تحت اقدام الأمهات» و نجعلها شريكاً يشارك فى بناء الأسرة و المجتمع لتلعب دوراً مصيرياً فى تقرير مصور حياة المجتمع الانسانى . إذا يهمل دور المرأة فى المجتمع سنرى فراغات عديدة لم تسدو لم تجبر إلا بمشاركة النساء لأكمال المشوار الثقافى و الإجتماعى و الاقتصادى فى المجتمع و كما قال الشاعر :

الأم مدرسة إذا أعددتها
أعدت شعباً طيب الأعراقى .
من أهم الانتهاكات التى تعرقل سيره الماء فى مجتمعاتنا هى :
أولاً : منعها من الدخول إلى الجامعات و عدم مواصلة دراستها العليا و الحصول على الشهادة الأكاديمية
ثانياً : عدم اعطاء الحق للمرأة فى الانتخاب زوجها و شريك مستقبلها لا زالت أكثر الأسر تنكك على زواج الأقرباء خاصة بنت الاعم لأبن عمها و شهدنا اختلافاً كثيرة أدلعت بسبب هذا النوع من الزواج ثلثاً :
التيوه التى لا زالت تعرقل زواج الفتيات و تمنع المستقبل الذى يطمحن اليه .
فعلينا أن لا نحقر المرأة و نعطيهما حقها فى الحياة لتكون لنا شريكة حياة تمتنع بأراء و نظريات فى المجتمع اليومى
من اهم الحلول لدراسة دور المرأة
أنشاء جمعيات نسائية فى المجتمع العربى و دخول النساء فى المعاهد التعليمية ليكون لها الدور المهم فى المشاركة بالانتاج و خدمة

العريسان ماجد و سناء

نهني و نبارك لكما دخولكما العش
الذهبي و تتمني لكم حياة سعيدة و
مليئة بالأفراح و السرور

أسرة جريدة جنوبيةها

صورة العدد - ضيف القصب



ناغلت عناية قراءنا الأكارم بأننا فى جريدتكم « جنوبيةها » نستقبل مشاركاتكم و مقترحاتكم لتطوير و تفعيل الجريدة
مع جزيل الشكر و وافر الثومتان